



۲۰۱۶/۰۲/۰۸



عبدالحی حبیبی

گازپارگاه و خدایان

طبقات الصوفیه از امالی خواجه عبدالله انصاری پیر هرات، کتاب معتبر و نفیس زبان دری و لهجه هروی است که اکنون طبع و نشر شده و از نسخ خطی آن هم فقط چهار نسخه سراغ داریم که یکی از کلکته و سه تای آن در ترکیه است و نویسنده، مؤفق شده ام که متن این کتاب نفیس افغانستان را از روی تمام نسخ مکشوفه به اصول انتقادی بانسخه بدل و تعالیق و توضیحات و حواشی برای طبع حاضر کنم و در آخر آن فرهنگ لغات و کلمات و مصطلحات و تعابیر خاص آنرا نیز بنویسم.

این کتاب علاوه بر فواید تاریخی و رجالی و مباحث دقیق تصوف مشحون است به کلمات و نوادر ادبی و لسانی که درک نکات و فواید آن برای هر کسیکه در ادب و نثر قدیم زبان دری جستجو و کنجکاوی دارد خالی از دلچسپی و کمال میل و استفاده نخواهد بود زیرا ریشه های بسا از کلمات و الفاظ با صور کهن آن از این کتاب پدیدار می آید که هر نکته آن شامل فواید نهمار ادبی و لسانی است که درین جا فقط بدو کلمه هروی و صور کهنه آن اشاره می شود:

گازپارگاه:

در شمال هرات بفاصله دو میل جای مشهوریست که مدفن شیخ الاسلام انصاری و بسا بزرگان دیگر علم و تصوفست و اکنون (گازرگاه) گویند ولی این نام در طبقات الصوفیه امالی انصاری مکرراً (گازپارگاه) آمده که گاهی امالی آن به اختلاف نسخ تغییر کرده مثلاً در نسخه خطی موثوق اقدم کتب خانه ناقد پاشای استانبول که در ۶۷۱ هـ نوشته شده (گازپارگاه) و در نسخه های نور عثمانیه استانبول (تحریر ۸۳۹ هـ) و نسخه جمعیت آسیایی کلکته تحریر حدود ... نیز گاهی بهمان صورت گاهی (گازارگاه - گازپارگاه) است که امالی نخستین آن ثقت و کثرت دارد و گاهی هر سنه نسخه مذکوره در ضبطان متفق اند.

ازین اسناد پدید می آید که امالی قدیم این کلکه (گازپارگاه) بود که یاقوت هم همین املا را نوشته و در مرصع الاطلاع ص ۳۳۴ (گازپارکوه) طبع کرده اند. سیفی هروی در تاریخ هرات همواره (گازرگاه) مینویسد (ص ۳۲۰/۴۱۷/۴۴۱) که در طبقات ناصری منهاج سراج نیز چنین است و همین املا در عصر بعد مغل رواج دارد. چنانچه در نسخ خطی جغرافی حافظ ابرو هم (گازرگاه) است و حضرت جامی نیز در نفحات مکرراً همین املا را آورده (ص ۳۱۸/۳۱۹ و غیره) و در عباس نامه ص ۱۰۹ هم گازرگاه است. جامی در قصیده وصف (گازرگاه) گوید:

پیر هرات زبده انصاریان که سود
بر طاق چرخ قبه دهلیز او کلاه
گازرگهی است تربت او کابر مغفرت
در ساختش سفید کند نامه سیاه

معین الدین اسفزاری ۸۹۹ هـ که خود وی در هرات میزیسته روضات الجنات را در اوصاف شهر هرات نوشته این کلمه را مکرراً بامالی (گازرگاه) می نویسد (ج ۱ ص ۴۳/۸۴/۸۵/۳۸۲) و باز تصریح میکند که درین حصرا جنگی در ۲۰۶ هـ بین حمزه خارجی (سیستانی) و عبدالرحمن بن عبدالله حکمران نیشاپور درگرفت و آنرا صحرای (گازرگاه) گفتند که به تحریف و غلط عوام به (گازرگاه) شهرت یافت. (روضات الجنات، ج ۲ ص ۵۰).

و بارتولد در جغرافیای تاریخی خود نیز همین قول اسفزاری را نقل نموده است (ص ۱۱۰). ولی این قول اسفزاری بنا بر قدامت امالی (گازپارگاه) مورد تأمل است و چنین بنظر می آید که نام (گازرگاه) غیر ازینجای هرات در بلاد دیگر هم موجود بود. جایی که تربت شیخ سعدی در شیراز واقع بود نیز (گازرگاه) نام داشت (برهان قاطع، ۳/۱۷۶۳) و نیز دهی از دهستان بکش در فهلیان فارس بهمین اسم نامیده میشود (فرهنگ جغرافی ایران ۱۹۸/۷).

بهر صورت اقوال انصاری در طبقات الصوفیه پدید می آید که (کازبارکاه) هرات از زمان قدیم معروف و مقرر مشایخ بزرگ و پرورشگاه ارباب ذوق و تصوف بود.

در نسخه‌های خطی طبقات ابن رجب (ج ۱ ص ۸۴) املائی آن (کاربارکاه) بود و مصحح نسخه مطبوعه آنرا به استناد قول یاقوت (کازبارکاه) ساخته^(۱) چون یاقوت خودش بلاد خراسان را دیدن کرده و درین مورد تصریح مینماید که (بعد الالف زای و یا مثناة و الف و رأ) بنا بران توان گفت که همین املائی نسخ طبقات الصوفیه اصیل و معتبر است. تا وقتیکه سندی قدیمتر و استوارتر دیگر بدست نیاید، همین املا را مدار اعتبار توان شمرد.

خدایان:

این کلمه در هر سه نسخه خطی طبقات صوفیه در (ص ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۵۶) مکرراً خدایان نوشته شده که بر دال علامت شد را هم گذاشته اند و این نام جای بسیار مشهوریست در هرات که اکنون خیابان گوئیم. جامی نیز بجای آن خیابان آورده. که در زمان قدیم تا اواخر عصر غزنویان آنرا خدایان میگفتند (بیهقی، ج ۲ / ۷۱۸) در عرضه لشکر شهر هرات گوید: امیر مسعود لشکر خود را در دشت خدایان - هرات دید این کلمه را کاتبان اوطابعان بیهقی به خدان مسخ کردند، ولی صحیح آن بدون شبهت خدایان است. که در تاریخ سیفی (ص ۴۴۱) در جمله مقاویر معروف هرات چون (کازرکاه) نام آن خیوان چاپ شده و همچنان در (ص ۷۱۴) همین کتاب دشت خدادوان^(۲) هرات آمده که طابع آن کتاب ملتفت صورت صحیح آن نشده و علامت استفهام^(۳) را بران گذاشته است.

یاقوت این جای را بصورت قدیم خدایان بضم اول از نواحی هرات نوشته (معجم البلدان، ۲ / ۳۴۹) و بر حاشیه ص ۱۰۹ عباس نامه طاهر قزوینی خدادوان است اما در حبیب السیر و مطلع سعدین مکرراً خیابان آمده و در رساله طایری زیارتگاهی معاصر سلطان حسین میرزا بایقرا که نسخه خطی آنرا در لاهور نزد دکتور محمد شفیع دیده ام در وصف شهر هرات غزلیست که یک بیت آن اینست:

خیابان پر زخوبان باد دایم
که فرع این جمال آمد کمالش
(ورق ۱۳)

در هر دو جلد روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات نیز مکرراً خیابان آمده و این بیت حضرت جامی را می آورند:

حدیث روضه مکن جای این نه بس ما را
که در سواد هری ساکن خیابانیم
(ص ۲۲ ج ۱)

اسفزاری در مدح خیابان هرات به تفصیل وارد گردیده و گوید:

"در همه زمان و ادیان معابد و عیدگاه و مقابر و نزهتگاه خواص و عوام بوده (چنانکه حالا مصلی و گشت جامی مسلمانانست و در زمان سابق او را (کوی خدایگان) میگفتند و بعبارۀ فرسی خدایگان پادشاه را گویند (ج ۱ ص ۸۶ روضات)".

چون در حصۀ جغرافی کتاب حافظ ابروی هروی نیز (خیابان) ضبط شده بنا بران میگوئیم ضبط های قدیم این نام خدایان و خدادوان بوده و بعد از سنه ۸۰۰ هـ آنرا خیابان نوشته اند.

اما قول اسفزاری که این کلمه از (کوی خدایگان) گرفته شده باشد باز محل تأمل است زیرا از روی معاییر لسانی تخفیف یا ترخیم این کلمه به خدایان و باز خدادوان و باز خیابان بعید بنظر می آید و چون این کلمه را در فرهنگهای قدیم فارسی ضبط نکرده، بنا بران قدامت آن بهمین شکل و اصل و ریشه آن در خور غور و تحقیق است و باید دید که اصل آن چه بوده و از کدام منبع نشئت کرده است^(۲).

مأخذ:

ذیل طبقات العنابله از عبدالرحمن بن شهاب الدین احمد بن رجب بغدادی حنبلی متوفی ۷۹۵ هـ، طبع هنر لاووسپ دمشق، ۱۹۵۱ م (ج ۱، ص ۸۴).
پنجاه مقاله، ۱۳۶۲ ش کابل، ص ۱۴۵ - ۱۵۰.

پایان